

متن پرسش

سلام علیکم: استاد عزیز در خصوص افرادی مثل دکتر سعید زیباکلام و جوانان دیگری که کم و بیش از نظر سیاسی همفکر هستند سوالی برایم به وجود آمده است. حتما موضع چند روز اخیر ایشان را دیده اید البته چندان عجیب نبود چراکه نوع نگاه این نوع عزیزان به ولایت متفاوت از نگاه حزب اللهی‌ها بود از اول اما با آشنایی مدید و تقریباً نزدیک می‌دانیم که این افراد دل بسته انقلاب اسلامی و آرمانهای آن و نیز علاقه مند به حضرت امام و مقام معظم رهبری بودند و احتمالاً هستند همچنان اما درک مسیری که انقلاب اسلامی پیش می‌رود و درک سیره مقام معظم رهبری در مدیریت کشور بر ایشان ممکن نشده است و دچار دردهایی شده اند تا جایی که کسی مثل سعید زیباکلام که صدها سخنرانی در نقد برجام داشته مطلبی می‌نویسد که کسی مثل تاجزاده از آن بهره می‌برد. ضعف در نگاه دینی و عمیق به انقلاب اسلامی و ولایت در کسانی مثل سعید زیباکلام و جوانان هم نظر او وجود داشت اما آنها در گفتار و عمل همراهی انقلاب عمل می‌کردند و به تعبیر دقیق‌تر در سطحی از سطوحی حرکت ذیل انقلاب اسلامی پیش می‌آمدند اما آنچه آنان را به موضع‌گیری علنی (به جای نقد به نحوی که کمک به دشمن نباشد) کشاند مسائلی مثل سیره مقام معظم رهبری در تعامل با دولت روحانی و مخصوصاً در برجام، و ماجرای بنزین و روش ایشان در مواجهه با جناب صادق لاریجانی و امثال آن و نیز نوع مواجهه (به نظر من متفاوت) مقام معظم رهبری با دکتر احمدی نژاد بود. این طیف چون درک بهتری از مسیر انقلاب اسلامی و تقابل آن با جهان مدرن داشتند، برتری غیرقابل قیاس عملکرد دولت احمدی نژاد را با سایر دولت‌ها به خوبی درک می‌کردند از این رو هم از رفتار قوه قضائیه با افراد منتسب به این دولت و هم از نظر منفی مقام معظم رهبری برای کاندیداتوری احمدی نژاد دچار ابهامات و تناقضاتی شدند. در کنار این موارد از جمله اختلاف نظرهای بسیار مهم این برادران با مقام معظم رهبری در درک وضع موجود است. آنها وضع امروز ما را بسیار بغرنج و سیر انقلاب را رو به نزول و سقوط می‌بینند ولی مقام معظم رهبری کاملاً عکس این توصیف را دارند. در این نکته حتی اغلب حزب اللهی‌ها نیز نمی‌توانند توصیف مقام معظم رهبری از وضع موجود را درک کنند. روشن است که اگر کسی به عمق انقلاب اسلامی اندکی نزدیک شده باشد و به ظهور تاریخ جدید با انقلاب اسلامی آشنا باشد و توجه داشته باشد که این اتفاقات ذیل تاریخ گذشته نیست بلکه در فجر تاریخی جدید جهان در حال وقوع است، درکش از وضع موجود کاملاً به نگاه مقام معظم رهبری نزدیک می‌شود. اما می‌دانیم که این درک به آسانی حاصل نمی‌شود و برای بسیاری نزدیک شدن به این معانی اساساً منتفی برای بسیاری نزدیک به غیرممکن و برای بسیاری نیز تنها پس از ریاضت و

تلاش معرفتی مستمر ممکن است حاصل شود. حال ضمن معذرت خواهی از تسذیع و اطاله، سوال حقیر این است که آیا این اشکال بر ما و برای عملکرد و بیان مقام معظم رهبری وارد نیست که نمی‌توانیم حتی کسانی را اقناع کنیم که نزدیکترین افراد از نظر فکری و عملی به ما هستند و واقعا اهل غرض و باندبازی و امثال آن نیستند و البته ممکن است ضعف‌های نگرشی یا فکری داشته باشند؟ اینکه حتی بسیاری از جوانان دلبسته و علاقه مند به مقام معظم رهبری نیز نمی‌توانند عزل و نصبهای ایشان را هضم کنند، خود نمی‌تواند یک اشکال به ایشان باشد؟ آیا این طبیعت دشواری ابتلائات آخر الزمانی و طبیعت جنگ روانی و رسانه‌ای پر حجم دشمن است که حتی مسائل برای بسیاری از حزب اللهی‌ها نیز قابل هضم نباشد و یا می‌توان آن را نقص دانست؟ نقص به این معنی که حتی در اقناع همراهترین‌ها نیز موفق نیستیم. عذر مجدد از طولانی شدن مزاحمت. و التماس دعای واقعی از حضرتعالی دارم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حقیقتاً در شرایط حساس تاریخی قرار داریم که از یک طرف انقلاب اسلامی توانسته است با رهبری‌های حکیمانه‌ی مقام معظم رهبری و در عین سعه‌ی صدری که ایشان نسبت به آقای هاشمی و انحرافات که ایشان وارد انقلاب می‌کردند؛ انقلاب را حفظ کنند و به جای این‌که در همان زمانی که امثال آقای هاشمی و امثال ایشان پایه‌هایی را گذاشتند که امروز شما با آن انحراف‌ها و ثروت‌های بادآورده‌ی جریان‌های به ظاهر در کنار انقلاب، با آقای هاشمی و انحرافات ایشان مقابله کنند و به نظر بنده بساط انقلاب اسلامی را به وسعتی که امروز ملاحظه می‌کنید، برچینند؛ و نهایتش یک جریان به اصطلاح خوب انقلابی میدان مدیریت ایران را به دست بگیرند، ایشان با آن سعه‌ی صدر مهدوی، سعی کردند اصل انقلاب با توجه به ذات خاص تاریخی که دارد، بماند زیرا می‌دانستند در دل این حضور تاریخی به مرور مشکلات پیش‌آمده رفع خواهد شد ولی انقلاب می‌ماند. و امروز ما ناظر دو پدیده هستیم؛ یکی مشکلاتی که ملاحظه می‌کنید از فقر و بیکاری گرفته تا ثروت‌های بادآورده و فاصله‌ی طبقاتی این‌چنین آزاددهنده، که امثال آقای سعید زبیاکلام نسبت به آن نگران هستند. پدیده‌ی دوم وجود خود انقلاب است و توانایی‌هایی که برای رفع این مشکلات در ذات خود دارد و با رهنمودهای فوق‌العاده مهدوی مقام معظم رهبری «حفظه‌الله» می‌بینید که بنیان عبور از بلیه‌ی آقای هاشمی بحمدالله در حال شکل‌گیری است. و رساندن جامعه به این مرحله که مردم امیدشان از آن نگاه غرب‌گرا که به اصطلاح به بهانه‌ی برجام می‌خواستند ما را «ژاپن اسلامی» کنند، تا حدّ زیادی قطع شده است؛ کار بس مهمی است و افقی که با حضور مسئولین نظام قضایی و نظام تقنین پیش آمده است، حتماً در اجرا نیز پیش خواهد آمد و با حفظ انقلاب اسلامی تحول اساسی در کشور به وجود می‌آید. و اگر تا دیروز آقای عباس عبدی در آخرین روزهای دولت آقای خاتمی گفتند آخرین میخ به تابوت اصلاح‌طلبی در حال کوبیدن است، ولی به جهت نشناختن ذات انقلاب اسلامی توسط آقای

احمدی‌نژاد و نداشتن معارف لازم ما باز نتوانستیم به هویت اصیلی که نظام اجرایی ما نیاز دارد، برگردیم، با رهنمودهای مقام معظم رهبری و تجربه‌های به‌دست آمده، مسلّم آخرین میخ‌ها به تابوت جریان غرب‌گرایی که متوجهی اصالت حضور تاریخی انقلاب نیست؛ در حال کوبیدن است و به همین جهت رهبر معظم انقلاب مجلس را و نیروهای انقلاب را متذکر شدند که به جای استیضاح دولت، اجازه دهند تا دولت همه‌ی آنچه که باید از خود نشان دهد را، به میدان بیاورد. و مسلّم بدانید این نوع نگاه که در این دولتمردان هست، هیچ سنگی بر سنگی گذاشته نخواهد شد و این‌شاءالله امثال آقای زیباکلام‌ها هم متوجه می‌شوند باید در سعه‌ی وسیع‌تری انقلاب را و مددهای الهی را که به رهبری می‌شود ببینند، به همان معنایی که بنده مکرر عرض کرده‌ام «برای آبادانی دهی نباید شهری را خراب کرد.» بحث بسیار است و امکان طرح موضوعات هنوز فراهم نشده است. خدا را شکر که باطن نورانی این انقلاب اگر از یک طرف جوانان پاک‌سیرتی را متوجهی اصالت‌های انقلاب می‌کند؛ توان آن را دارد که مدعیان دروغین دفاع از انقلاب امثال تاج‌زاده‌ها را این‌چنین رسوا کند. آیا عقابی از این بالاتر که اینان دیگر هیچ تعلقی به انقلابی که حاج‌قاسم‌ها می‌پروراند، ندارند؟! در حالی که محال است خداوند آثار زحمات شهدای ما را ضایع کند که قصد و مقصدشان حفظ نظام اسلامی و جهانی‌شدن آن بود به همان معنایی که خداوند وعده داد: «فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ». موفق باشید